



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۳/۱۱

یونس نگاه

جهاد اداری ملا هبت الله علیه رقیبان امارتی اش

امارت طالبان دو پایتخت رهبری و اداری دارد. کابل به دلیل وجود نهادها، زیرساخت‌های اداری و سنت تاریخی‌اش، در نظام طالبان نیز پایتخت اداری باقی مانده است؛ اما ملا هبت‌الله به پیروی از ملا عمر، در قندهار پایتخت دیگری به وجود آورده که در آن نظام امارتی (خان، امیر یا شاه-رعیتی) حاکم است. سیستم و زیرساخت‌های موجود در کابل که صدها سال سابقه دارد و به‌خصوص در یک سده اخیر توسعه یافته، برای دولت‌داری ساخته شده و هر نیرویی که آن را تصاحب کند، بخواهد یا نخواهد، در مسیری می‌افتد که شرایط دولت‌داری معاصر بر آن حاکم است. حتی اگر گروهی از افراد صحرائین آن را تصاحب کنند که ترجیح دهند تسبیح یا تعویذ به گردن آویزند و تفدانی و قطی نسوار دم دست داشته باشند، باز هم دفاتری از پیش‌ساخته، میزهای تعبیه‌شده، سیستم و بروکراسی موجود که تصاحب‌شان شرط تثبیت حاکمیت و قبضه قدرت است، بر چهره صاحب‌شونده‌گان رنگ دولت می‌پاشد. قندهار چنین نیست. آنجا، امیر با شرایطی از پیش تعیین‌شده روبه‌رو نیست و می‌تواند با اتکا بر سنت‌های قبیله‌ای یا مذهبی، امارتی فاقد بروکراسی دولتی بسازد که شبیه دربار باشد. آنجا امیر چون خان‌ها یکسویه دستور می‌دهد و «فرمان» صادر می‌کند. تفاوت بین نظام اداری حاکم بر کابل و قندهار یکی از عوامل اختلاف بین زورمندان این دو پایتخت است؛ اختلافاتی که به رغم پنهان‌کاری بسیار و تاکید بر اطاعت، در این اواخر به رسانه‌ها درز کرده است. اعتراض سراج‌الدین حقانی به انحصار قدرت در قندهار و موضع‌گیری ملا یعقوب علیه اطاعت کورکورانه، دو نمونه خبرساز این اختلافات است که تعدادی را در میان رده‌های پایینی مسوولان طالب نیز جرئت ابراز مخالفت علنی داده است. به‌طور مثال، مولوی عبدالقدیر مرادی، رئیس څارنوالی طالبان در بلخ، در سخنرانی علنی‌اش در ولسوالی شولگره این ولایت با ذکر نام ملا هبت‌الله، از او انتقاد کرد و گفت که امیر طالبان به مردم و زیردستانش نزد خدا پاسخگو خواهد بود. او که ملا هبت‌الله را با لحن تند و ضمیر تو خطاب قرار داد، به حاضران گفت که از کسی نمی‌ترسد.

از رفتار ملا هبت‌الله با مقام‌های اداری امارتش پیدا است که او خود را امیر، به مفهوم پیشوا یا رهبری نمی‌بیند که در تعیین خطوط کلان سیاسی و مذهبی دخالت کند، بلکه می‌خواهد امیر مطلق‌العنانی چون عبدالرحمان خان باشد که بر جزئیات امور نظامی، استخباراتی، قضایی، اداری، مالی و حتی استخدام نظارت داشته باشد. افغانستان از زمان عبدالرحمان خان تا امروز بسیار تفاوت کرده و اداره کشور با مشقت آهین فردی، حتی اگر آن مشقت به سنت دیرینه مذهبی و پشتوانه شبکه‌های تروریستی اتکا داشته باشد، آسان نیست. ملا هبت‌الله برای تبدیل شدن به مطلق‌العنان بی‌رقیب چالش‌های بسیار پیش رو دارد. او در راس اتحادیه‌ای از شبکه‌های پرمدها قرار دارد که هرکدام خواهان سهم واقعی در قدرت است و از امیرشان انتظار دارند به جای انحصار کامل صلاحیت‌های حقوقی، مالی و اداری در دفترش، نقش نمادین و معنوی برای امارت طالبان بازی کند و زمینه اتحاد بازیگران و شبکه‌های جهادی جمع‌شده زیر چتر طالب را فراهم سازد. اما هبت‌الله تا کنون به انتظارات متحدان و شبکه‌های قدرتمند زیر فرمانش وقعی نگذاشته است.

یک‌ونیم سال اخیر خبرها، فرامین و اعلامیه‌های بسیاری از دیدار و برخورد او با وزیران، ولسوالان، قاضی‌ها، قوماندان‌های نظامی و رئیس‌ان استخبارات به نشر رسیده است که می‌توان با مرور آن‌ها شیوه کار ملا هبت‌الله و نقش او را در امارت طالبان ارزیابی کرد. یکی از این اسناد، صورت جلسه امیر طالبان با رئیس‌ان منابع بشری وزارت‌خانه‌ها و ریاست‌های مستقل است که به تاریخ ۲۰ ماه جدی امسال برگزار شده بود. این صورت جلسه دوازده صفحه‌ای که در ۸ صبح نشر شده است، معلومات بسیاری از دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و اداری او به دست می‌دهد. در این مقاله با اتکا بر آن سند و تعدادی از اخبار و گزارش‌های دیگر، شیوه اداره و روش ملا هبت‌الله در امور حکومت‌داری را مرور می‌کنیم و می‌بینیم که چگونه کش‌مکش بر سر تقسیم قدرت، ملا هبت‌الله را با متحدان قدرت‌مندش درگیر کرده است.

سر امارت در قندهار است

نکته اصلی که از مرور صورت جلسه ملا هبت‌الله با رئیس‌ان منابع بشری می‌توان گرفت، تلاش امیر طالبان و هم‌دستانش در انحصار صلاحیت‌های مالی، نظامی، استخباراتی، قانونی و استخدام است. او برای تماس با لایه‌های

مختلف مسوولان امارت هیچ محدودیت و سلسله‌مراتبی قابل نیست و از رئیس‌الوزرا تا رئیس عمومی استخبارات و رئیس منابع بشری و خاروال نظامی همه را ملزم به پاسخگویی مستقیم به دفتر خود می‌داند.

ملا هبت‌الله از همان آغاز وقتی به رهبری طالبان رسید، برای اعمال نفوذ اداری کمر بسته بود. او احتمالاً به دلیل نداشتن نفوذ نظامی و نیز از آنجایی که از اداره و مسجد به رهبری رسیده بود، نه از میدان جنگ، برای جلوگیری از تبدیل شدن به رهبر نمادین و کنترل بلندپروازی‌های رقیبانی چون سراج‌الدین حقانی و ملا یعقوب که دارای شبکه‌های نظامی‌اند و در زمان رهبری ملا اختر منصور آنان نیز چون ملا هبت‌الله معاون امیر بودند، به چند تاکتیک متوسل شده است.

اول) چون او قاضی طالبان و ملای مدرسه بوده است، از توانایی خطابه و سواد ملایی‌اش برای اعمال نفوذ استفاده می‌کند.

دوم) او پشت دین و شریعت نشسته و با اتکا بر دین و اقوال و نیز جمع بزرگی از ملاهای همسو، برای گسترش نفوذش کار می‌کند.

سوم) به دلیل سابقه کار دفتری در دور اول امارت و نیز صلاحیت‌های اداری که در زمان ملا منصور به او داده شده بود، تلاش دارد با تماس مستقیم با سطوح مختلف ادارات، اعمال قدرت کند.

اولین باری که خبر دخالت ملا هبت‌الله در تعیینات و اعمال نفوذ اداری در رسانه‌ها نشر شد، سال ۲۰۱۷ بود. آن زمان او تازه، بعد از مرگ ملا اخترمحمد منصور (۲۱ می ۲۰۱۶) به رهبری طالبان رسیده بود. در ماه سپتامبر ۲۰۱۷، جمیله امینی، رئیس شورای ولایتی فراه، به رسانه‌ها گفته بود که ملا هبت‌الله به آن ولایت آمده و مشغول دیدار با مسوولان محلی طالبان و تعیینات است. گفته شده بود که ملا هبت‌الله به کمک استخبارات پاکستان وارد افغانستان شده و نخست به هلمند و از آنجا به فراه رفته بود تا «والی‌ها، ولسوال‌ها و فرماندهان نظامی» تازه را تعیین کند.

زمانی که طالبان قدرت را تسلیم شدند، مدتی از ملا هبت‌الله چندان خبری نبود و بیشتر صحبت از زدوبندهایی می‌شد که برای تصاحب چوکی‌های کابل میان ملا برادر، ملا یعقوب، سراج‌الدین حقانی و امثال‌شان جریان داشت؛ اما وقتی به‌تدریج نام ملا هبت‌الله در رسانه‌ها سر زبان‌ها افتاد، بخش عمده اخبار مربوط به او به دیدارش با مسوولان اداری، عزل و نصب و صدور فرمان‌های محدودکننده برای ادارات و توده مردم اختصاص داشت. در خبرها و اعلامیه‌ها می‌خوانیم که او حتا در تعیینات و امور اداری ولایتی دخالت می‌کند. به تاریخ ۲۴ قوس ۱۴۰۰، خبرگزاری باخترا که چند ماه قبل به کنترل طالبان درآمده بود، گزارش داد که ملا هبت‌الله روز قبل (۲۳ قوس) با رئیس‌ان ادارات طالبان در قندهار دیدار نمود و برخی دساتیر را به آنان صادر کرد. در آن دیدار والی طالبان هم حضور داشته بود. او از همان آغاز، دستوراتش را به رئیس‌ان ادارات، از طریق ملا حسن، وزیران و حتا والی‌ها نمی‌فرستاد، بلکه خود رئیس‌ان را به دفترش احضار کرده امر و نهی می‌کرد. امر و نهی‌اش نیز آن‌گونه که در گزارش جلسه با رئیس‌ان منابع بشری امارت طالبان (نشرشده در ۸ صبح) می‌خوانید، تنها امور دینی و اعتقادی نیست، بلکه او به جزییات امور چون استخدام نیز دخالت می‌کند.

اولین خبر ورود او به قندهار، ۲۵ اگست ۲۰۲۱، نیز با پیام اداری همراه بود. سخنگوی طالبان، ذبیح‌الله مجاهد، به رسانه‌ها گفته بود که ملا هبت‌الله به قندهار رسیده و با اعضای ارشد طالبان در مورد تشکیل دولت جدید گفت‌وگو کرده است. البته کلمه «گفت‌وگو» در آن زمان که آغاز رویارویی قدرت‌مندان طالب برای تقسیم قدرت و امکانات بود، حکایت از ابهام در جایگاه ملا هبت‌الله داشت. بعدها دیگر در خبرها او در جایگاه گفت‌وگو نه، بلکه در مقام دستور و هدایت قرار گرفت. بعد از مجلس مشهور ملاها در تالار لویه‌جرگه و سخنرانی جهادی ملا هبت‌الله در آن مجلس، اطاعت از امیر بیشتر از پیش بر سر زبان‌ها افتاد. اطاعت، در بیرون امارت طالبان وسیله همدستی آن گروه تعبیر می‌شد و گاهی مخالفان به وجود چنان رسمی میان طالبان غبطه می‌خوردند که چگونه با اتکا بر اطاعت سکوت و یک‌دستی را میان گروه پر از تناقض و اختلاف حفظ می‌کنند. اما در درون طالبان، تاکید بر اطاعت حکایت از درگیری و یخن‌کشک بر سر منابع و صلاحیت‌ها بود. آن‌گونه که دیدیم، تنش‌ها پرده اطاعت را درید و درزها به سطح نیز ظاهر شد.

در شروع سال جاری هجری شمسی، ملا هبت‌الله کابینه امارت را به قندهار فراخواند و برای سه روز با آنان جلسه گرفت. در اعلامیه تاریخ ۴ حمل امسال طالبان آمده بود که ملا هبت‌الله «به وزیران و مسوولان در مورد کارهای ادارات و شعبه‌های مختلف... توصیه‌ها و هدایات لازم را صادر کرد.» او در آن جلسه نیز سلسله‌مراتب کابینه امارتش را نادیده گرفته و به وزیران و معاونان ملا حسن مستقیم دستوراتی داده بود. در نظام‌های دموکراتیک و حکومت‌هایی که قانون دارند، رعایت سلسله‌مراتب، اصلی مهم برای احترام به تخصص و نیز صلاحیت مسوولان مربوطه است. عدم رعایت این اصل و تماس مستقیم رهبران حکومت با رده‌های پایینی اداره، خلع صلاحیت مقام‌های مسوول تلقی می‌شود. براساس اعلامیه طالبان، ملا هبت‌الله به هریک از معاونان ملا حسن جداگانه هدایت مشخصی را صادر کرده بود. احتمالاً سکوت ملا حسن در این یک سال و نشنیدن نام او در فرمان‌ها و خبرها، حکایت از پادروا ماندن او دارد. او بالاتر از خود ملا هبت‌الله را دارد که به رئیس‌ان ادارات مستقیم فرمان می‌دهد و در پایین سراج‌الدین حقانی، ملا برادر و ملا یعقوب را دارد که هر کدام در حوزه نفوذ خود امیر و خلیفه است.

تا این‌جا ملا هبت‌الله موفق به نظر می‌رسد. او از امتیاز جایگاه مذهبی‌اش و نیز سنت طالبانی امارت برای تثبیت مقامش چون امیر مطلق‌العنان و مرجع شرعی سود برده است. او برای رساندن این پیام به طالبان، مردم افغانستان و نیز جهانیان که سر امارت در قندهار است و اداره کابل تن و مجری فرامین است، تمام ابزارش را به کار بسته است. شکایت و اعتراض بازوان زورمند و رقیبان درون‌امارتی‌اش نیز حکایت از موفقیت او دارد. امیر کامل و متکلم وحده است

با آن‌که ملا هبت‌الله هنوز پشت پرده است و شکوگمان‌هایی در مورد هویتش وجود دارد، اما در این یک‌ونیم سال خبرهای بسیاری از تماس او با لایه‌های مختلف اداره طالبان نشر شده است. در این خبرها، ملا هبت‌الله دایم هشدار می‌دهد و توصیه می‌کند که شریعت کامل است، علمای دین (ملاها و مولوی‌های زیر نفوذش) حافظان شریعت و نمایندگان خدایند و خود او امیر واجب‌الاطاعت می‌باشد. او شبکه ملاها را در تمام ادارات گسترده و دلیل اصلی احضار رئیس‌ان منابع بشری نیز ابراز نارضایتی از کندی استخدام ملاها در ادارات و تاکید بر تسهیل جریان استخدام مولوی‌ها بوده است. او به سخنان زیردستانش اگر گوش هم دهد، وقعی نمی‌گذارد و با خواندن آیات و احادیث، تاکید بر کامل بودن شریعت و به رخ کشیدن اشراف خود بر شریعت، به آنان می‌گوید که دستورپذیر باشید و از شریعت، یعنی امیر، اطاعت کنید.

در گزارش مفصل جلسه دوازدهم او (۲۱-۲۰ جدی سال جاری) با رئیس‌ان منابع بشری، تشریفات اداری دفتر ملا هبت‌الله نیز انعکاس یافته و آن را شبیه دربار شاهان قدیم صاحب مهمان‌خانه، انتظارگاه و مامور تشریفات نشان داده است، نه آن‌چه طالبان تبلیغ می‌کنند و مدعی‌اند که رهبران‌شان زندگی ساده و بی‌تشریفات دارند. براساس گزارش رسمی آن جلسه، دفتر ملا هبت‌الله طی اطلاعیه متحدالمدال، تمام رئیس‌ان منابع بشری وزارت‌خانه‌ها و ادارات مستقل را به قندهار دعوت کرده است. رئیس‌ان دفتر ملا حسن و اداره امور نیز در لیست شامل بوده‌اند. آنان وقتی به قندهار رسیده‌اند، یک روز در مهمان‌خانه امیرشان جلسه داخلی بدون حضور ملا هبت‌الله گرفته‌اند تا با تشریفات دیدار آشنا شوند و در عین حال پیشنهادهای خود را توحید کنند. روز بعد، در مسجد مهمان‌خانه ملا هبت‌الله گردهم آمده توصیه‌های مسوول تشریفات دربار را در مورد اصول ملاقات با امیر شنیده‌اند. بعد از آن، نزد ملا هبت‌الله برده شده‌اند و آن‌جا بعد از ماندن‌باشی چهار بار در کل جلسه اجازه صحبت یافته‌اند. یکی زمانی که خود را معرفی کرده‌اند، دوم زمانی که نماینده‌شان قرآن تلاوت کرده، سوم زمانی که بیعت خود را تازه کرده‌اند و چهارم، در پایان جلسه زمانی که ملا هبت‌الله استنطاق‌گونه آنان را متهم به کارشکنی در استخدام ملاها کرده و سوال‌هایی پرسیده است. باقی تمام روز، در دو دور، یکی قبل از نماز ظهر و دیگری بعد از نماز، ملا هبت‌الله وعظ کرده و دستور داده است.

متن اصلی گزارش جلسه بحث روی استخدام و شنیدن نیازها و مشکلات رئیس‌ان منابع بشری نبوده است. البته در گزارش جلسه درج است که دعوت‌شده‌گان، در روز اول لیست طولانی از شکایات و پیشنهادهای مطرح و توحید کرده‌اند، اما در آن مجلس فرصت بیان آن نکات نبوده است، و در عوض یک نسخه کتبی آن را به امیر خود داده و برگشته‌اند.

نکات عمده سخنان آن روز ملا هبت‌الله در بیست فقره گزارش شده است. محور اصلی موعظه او اطاعت از امیر، آماده‌گی برای جهاد، پوشیدن زره قربانی و ضرورت مشوره با علما (نمایندگان ملا هبت‌الله) در تمام امور بوده است. او در این صورت جلسه قصه‌گوی ماهری به نظر می‌رسد. در تمام بیست فقره گزارش، ملا هبت‌الله روایتگر کلام خدا، پیامبر، صحابه و دیگر بزرگان مذهبی است. با یک مرور سرسری بیست‌ودو مورد روایت، آیت و داستان گذشته‌گان را در گزارش سخنان او شمردم. هبت‌الله خود را ظاهراً پیام‌آور بزرگان و مجری شریعت خدا جازده است و پشت نام الله و بزرگان مذهبی خواسته‌هایش را برای جلب اطاعت و قربانی مطرح می‌کند. شخص‌زدایی و تزریق حس ماموریت جمعی

در فهرست پیشنهادهای رئیس‌ان منابع بشری، خواسته‌های مسلکی و بسیار شخصی مطرح است. آنان در روز اول مثل ماموران اداری معمول نشسته و موانع کار و خواسته‌های خود را فهرست کرده‌اند. بیشتر طالبان میان‌رتبه و پایین‌رتبه در دستگاه آن گروه، افرادی با علایق و خواسته‌های بسیار زمینی و شخصی‌اند. آنان معاش، خانه، مقام و صلاحیت می‌خواهند. احتمالاً در میان‌شان مامورانی از دوران جمهوری اسلامی هم حاضر بوده‌اند و در جدول دوسو تنی چالش‌ها و راحل‌های پیشنهادی خود را توحید کرده‌اند. شکایات‌شان بسیار اداری و معمولی بوده است. گفته‌اند مقررات و اصول نصب و عزل وجود ندارد، برنامه‌ای برای ارتقای ظرفیت نیست، «مجاهدانی» که با حکم و بدون امتحان مقرر شده‌اند با کار آشنا نیستند و امتیازات‌شان نیز محدود است، برخی قوماندانان طالب که در زمان جنگ مقام داشته‌اند اکنون در پست‌های بدون تشریفات توظیف شده و باید برای‌شان از بخش رجال برجسته محافظ و امتیازات داده شود، پست‌های زنان خانه‌نشین شده خالی است و میان مسوولان منابع بشری هماهنگی وجود ندارد.

زمانی که نزد ملا هبت‌الله رفته‌اند، او احتمالاً با درک روحیه ماموران امارتش، سخن را از پیروزی و فتح آغاز کرده، سوره النصر را خوانده و فوراً با گفتن این‌که کار و ماموریت آنانی که در امارت طالبان وظیفه دارند، شخصی نیست، آب سرد روی دستان رئیس‌ان منابع بشری ریخته است. از آن پس بیشتر روز با آیت، روایت و توصیه به مزمت منافع شخصی و دنیوی و تمجید منافع امارتی و اخروی به سرکوب تمایلات شخصی آن جمع کوشیده است. البته خود ملا هبت‌الله خواسته‌های بسیار شخصی و قشری از مامورانش دارد و منافع جمعی و اندیشیدن به بعد از

مرگ ابزاری برای تبدیل آنان به گروهی مطیع و فرمان‌بر است. در فقره دوم صورت جلسه ملا هیت‌الله آمده است که در عزل و نصب، منافع شخصی مد نظر گرفته نشود، بلکه منافع ملت و نظام در نظر گرفته شود. در فقره سوم آمده است که خداوند به کسی که در انجام مسوولیت‌هایش اندیوالی می‌کند، لعنت می‌فرستد. اما در فقره نوزدهم به تفصیل توصیه می‌کند که پشت مقدره، سند و تحصیلات نگرید و تا می‌توانید مجاهدین (اندیولان) را استخدام کنید. او تمام دعاها و روایات را برای همین جمع‌بندی، به خورد ماموران داده بود. در آن فقره او آشکارا دستور می‌دهد که باید «تمام بدنه نظام از مجاهدین» تشکیل شود. مجاهدین او مسلکی نیستند و صلاحیت فنی کار در ادارات را ندارند. این را خودش نیز می‌داند، از همین رو فوراً افزوده است که اگر مجاهد را «به خاطر مسلکی نبودن استخدام نمی‌کنید» اشتباه می‌کنید؛ چرا که «مجاهد و طالب زیرکتر از همه‌اند... تو برایش موقع بده و استخدامش کن، مطمئناً او بیش از هر کس دیگر مسوولیت‌ها و وظایف خویش را خواهد آموخت.» ملا هیت‌الله می‌گوید که رئیس‌ان منابع بشری اگر اندیوالی کرده دوستان خود را استخدام کنند، خدا به آنان لعنت می‌فرستد، ولی اگر آدم‌های مسلکی را از ادارات اخراج کرده، اندیوالان و مطیعان ملا هیت‌الله را نصب کنند، خداوند آفرین می‌گوید!

او در پایان روز، با تاکید دستور می‌دهد: «پروسه تقرر مجاهدین را آسان کنید!» در نیمه دوم روز، وقتی پروسه شخصیت‌زدایی و تزریق حس اطاعت پایان می‌یابد، ملا هیت‌الله مثل آدم سیاسی بی‌ملاحظه خواسته‌هایش را بی‌پرده و مستقیم به رئیس‌ان منابع بشری می‌گوید. او این خواسته‌ها را با پرسیدن سوال‌های استنطاق‌گونه مطرح می‌کند. مثلاً می‌پرسد چرا قانون عزل و نصب را برای تصویب به من ارسال نمی‌کنید؟ چرا مجاهدین را هنگام استخدام در ادارات سرگردان و خسته می‌کنید؟ نام دوستان دور و زنان مجاهدین را چرا در فورمه‌ها می‌خواهید؟ بعد دستور می‌دهد که «به‌صورت مطلق کار غیرشرعی نکنید»، و «استخدام مجاهدین را آسان سازید!» شریعت یعنی سهولت و امتیاز ملا و طالب.

او به رغم طرح چنین خواسته‌های غیرقانونی و اندیوال‌بازی، به رئیس‌ان منابع بشری دستور می‌دهد که گوش‌های خود را به روی سخنان منفی «دشمنان اسلام» ببندند و آنچه را از کمبودهای طالبان و امارت‌شان گفته می‌شود، نادیده بگیرند (جزء الف، فقره ۱۷) و در فکر حاکمیت شریعت در سراسر زمین باشند، زره بیوشند و آماده قربانی گردند! (فقره ۱۴)

آن‌همه آیت‌خوانی، روایت‌گویی و تبلیغ جهاد و تشویق به فتح جهان، تاکتیک‌های سیاسی برای کنترل ذهن زیردستان است. خواست ملا هیت‌الله این است که ماموران امارتش مبلغان مطیع او شوند و همه مردم افغانستان را چنان آماده قربانی کنند که هر طرف دستور دهد، به راه افتند. تاکید بر تسهیل پروسه استخدام ملاها و جنگ‌جویان طالب نیز، خواست کاملاً شخصی و قشری به هدف توسعه نفوذ خود و فراکسیونش است تا رقیبان درون امارت‌اش را به حاشیه براند و حاکم بلامنازع گردد.

او مجلس اداری با رئیس‌ان منابع بشری را به محفل تبلیغ و ذهن‌شویی بدل کرده است و در پایان نیمه اول روز از همه خواسته است تا انفرادی و با گرفتن دستش، به او تجدید بیعت کنند.

از من است

در اوایل ماه اسد امسال ملا هیت‌الله تمام والیان را به دفترش فراخوانده و از آنان اطاعت و بیعت گرفته بود. از آنجایی که والیان بین جناح‌های قدرت‌مند طالب تقسیم شده‌اند، گفته می‌شود ملا هیت‌الله برای گسترش نفوذش در مناطق تحت کنترل حریفان، تاکتیک‌های گوناگون به کار می‌بندد. یکی از تاکتیک‌ها، بیعت‌گیری و دیدار رویاروی با مسوولان ادارات، از والی گرفته تا رئیس و قاضی می‌باشد. تاکتیک دیگر بر کردن اطراف والیان، وزیران و رئیس‌ان با ملاهای وابسته به خود است. هیت‌الله البته تنها نیست و از یک قشر در نظام طالبان نمایندگی می‌کند: ملاها و مولوی‌هایی که قوماندان نبوده‌اند و از مدارس و مساجد به امارت آمده‌اند. کسانی چون سراج‌الدین حقانی و ملا یعقوب قدرت نظامی در اختیار دارند و رهبری شبکه‌های انتحاری و جنگ‌جویان در دست‌شان است. تعدادی چون ملا برادر در کنار نفوذ بر قوماندانان و متنفذان، روابط خارجی دارند. کسانی به منابع مالی چون قاچاق و مساعدت‌های جهادی دسترسی دارند. اما جمعی از ملایان فاقد این امکانات و منابع، دور ملا هیت‌الله جمع شده‌اند و با اتکا بر جایگاه و نفوذ او، برای فتح منابع مالی، نظامی و اداری کشور می‌جنگند.

ملا هیت‌الله گاه علنی فرمان می‌دهد که فلان بخش از من است! به تاریخ ۱۸ میزان امسال، او رئیس‌ان استخبارات ۳۴ ولایت را به دفترش خواسته بود. در آن مجلس مولوی عبدالحکیم، قاضی‌القضات و یکی از نزدیکترین افراد به ملا هیت‌الله، شیخ نورالحق انور، رئیس اداره امور و ملا تاجمیر جواد، معاون اپراتیوی ریاست عمومی استخبارات طالبان نیز حاضر بوده‌اند. در گزارشی که در صفحه ریاست دفتر رئیس‌الوزرای طالبان نشر شده، آمده است که ملا هیت‌الله بعد از گفتن سخنان معمولش در مورد تطبیق شریعت، اهمیت اطاعت و توصیه‌هایی به قربانی و از خودگذری، به آنان دستور داده است که برایش حساب بدهند. او حتا در آن مجلس از مسوولان امارت طالبان خواسته است تا «فرمان و حکم را به قیمت سر خود تطبیق کنند.» چنین خواستی بی‌پیشینه نیست و با درد که جوانان بسیاری سروجان خود را در راه تطبیق فرمان‌های طالبان گذاشته و کشتار و ویرانی‌های بسیاری را مرتکب شده‌اند. ملا هیت‌الله در آن مجلس، استخبارات را حوزه نفوذ شخصی خودش خوانده و از دخالت دیگران هشدار داده است. او با صراحت گفته است: «استخبارات ارگانی است که مستقیماً مربوط رهبری می‌شود. آنان از همین‌جا هدایت

می‌گیرند، پایه‌های نظام را تحکیم می‌بخشند، پلان‌های دشمنان را از بین می‌برند و پلان‌های شومی را که دشمن بر علیه ما دارند، کشف و خنثا می‌نمایند.»

آن مجلس نیز چهار ساعت طول کشیده بود و در گزارش مفصلش جز سخنان ملا هبت‌الله از هیچ‌کسی نقل‌قول نشده و به نظر می‌رسد مثل مجلس با رئیس‌ان منابع بشری، او تنها سخنران مجلس بوده و دیگران فقط هنگام پاسخ به سوال امیرشان، خواندن آیت و اعلام بیعت حق داشته‌اند دهان بگشایند.

علت اصلی نارضایتی که این روزها علنی شده است، خلاف آنچه برخی تحلیل‌گران می‌گویند، سیاست‌های تندروانه ملا هبت‌الله علیه مردم از جمله حذف غیرطالبان از ادارات، منع تحصیل زنان و اعمال محدودیت‌های ضدبشری نیست، بلکه تلاش او برای به حاشیه راندن رقیبان داخلی و دخالت‌های بیش‌ازحدش در امور اداری است. آیا ملا هبت‌الله و حلقه مlahایش قادر خواهند شد قندهار را بهراستی به سر امارت و تنها مرجع رهبری طالبان بدل کنند؟ اگر چنین شود، آنگاه آیا وحدت درونی امارت را حفظ خواهند توانست؟ سوال آخر این‌که آیا حاصل جمع تنش‌های داخلی بر سر تقسیم قدرت و منابع، با نارضایتی روزافزون مردم و فشارهای بین‌المللی، چه بر سر امارت تاریک طالبان خواهد آورد؟